

شماره سند: ۳

فرستنده: علیقلی خان مخبرالدوله

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات با ولیعهد آلمان

تاریخ: ۱۳۰۱ هـ ق

متن سند:

چهار ساعت بعد از ظهر دوشنبه ۲۴ جمادی الثانی سوار کالسکه شده به منزل حضرت والا ولیعهد رفته از کالسکه پیاده شد. در بانی که پشت در حاضر بود در را باز کرد و ما داخل اطاق اول شدیم فوراً آجودان مخصوص ایشان رسید و تعارف کرده ماها را از پله بالا برد. در مرتبه اول داخل بالاخانه وسط شدیم که منزل حضرت والا است. از آنجا ما را به بالاخانه دوم برد و ایستاد ما هم ایستادیم. از دری مقابل ما حضرت والا با لباس رسمی و نشان تمثال همایون ورود نمودند ما تعظیم کردیم. همه جا آمدند پیش روی ما و بهر دومان دست داده تعارف و اظهار التفات نمودند و همانجا ایستادند. عرض کردم کمال افتخار دارم از اینکه سلام صمیمی اعلیحضرت پادشاه را با این دستخط ابلاغ نمایم. اول فرمودند من کمال افسوس دارم که در سفر دوم اعلیحضرت پادشاه به لندن رفته بودم و وقتی به اعلیحضرت امپراطور تفنگ انداختند تلگرافی رسید و عازم برلین شدم. در موقعی که پادشاه حرکت کرده بودند و ملاقان نصیب نشد. عرض کردم اعلیحضرت پادشاه فرمودند که هیچ تأسفی بالاتر از آن نبود که در آن موقع آن اتفاق ناگوار افتاد و بیحضور حضرت والا ما ناچار حرکت کردیم با کمال شوق و میلی که به ملاقات حضرت والا داشتیم. فرمودند آخر شرفیابی شما در حضور مبارک تا حال چه قدر مدّت می شود. عرض کردم مکرر به خاکپای مبارک مشرف می شوم ولی شرفیابی آخریک روز قبل از عزیمت بود که تا حال سه ماه چند روز می شود. فرمودند اعلیحضرت پادشاهی غالباً سوار می شوند و به شکار تشریف میبرند. عرض کردم از تمام تعیشات سلطنتی همان سواری و شکار

گاهگاهی را انتخاب فرموده‌اند که برای سلامت مزاج خیلی مفید و مؤثر اتفاق افتاده است. فرمودند تو هرگز شکار می‌کنی و میل شکار داری. عرض کردم در اوایل عمر یک گنجشگ زده‌ام و بعد دیگر تا حال ترک تیراندازی کرده‌ام. فرمودند منم همینطور هستم هرگز شکار نمی‌کنم و میل ندارم. فرمودند شما چند سال است وزیر زراعت هستید. عرض کردم وزارت تلگراف ده سال است به ان بنده مرحمت شده است و وزارت علوم و معادن را سه سال است التفات فرموده‌اند و سبب اینجا بود که اعتضادالسلطنه مرحوم شد. این خدمات را به این بنده محول فرمودند. فرمودند خیال سفر فرنگستان هم داری. عرض کردم تا خدمات محوله انجام نگیرد و بعرض نرسانم و حکم نشود امکان ندارد بتوانم خیال حیاتی بکنم. فرمودند شما یک مدتی در اینجا خواهید بود. عرض کردم بنده محکومم هر چه حکم شود البته اطاعت خواهم کرد. فرمودند خداحافظ و دست فدویان را گرفته و به طرف اطاق اول مراجعت نمودند. فدویان نیز تعظیم کرده بیرون آمدیم و معلوم است که بعد از ملاحظه ترجمه و خواندن دستخط مبارک برای شنیدن پیغام و فرمایشات شفاهی مجدداً احضار خواهند نمود. تفضیل آن بود عرض می‌شود.

شماره سند: ۴

فرستنده: علیقلی خان مخبرالدوله

گیرنده: ناصرالدین شاه

موضوع: ملاقات با وزیرامور خارجه آلمان، نامه پرنس بیسمارک^۱

تاریخ: ۱۳۰۱ هـ ق

متن سند:

قربان خاکپای انور اقدس همایون مبارکت گردم، تفضیل شرفیابی خدمت حضرت والا ولیعهد را جداگانه عرض کرده اینک انقاد خاکپای مبارکت داشت. پریروز یک شنبه غره شهر رجب وقت ظهر مسیو هارتس فیلد وزیر امور خارجه آلمان را ملاقات نمود. او در هین صحبت پرسید که با کسی برای کمپانی ساختن حرفی زده‌اید یا نه. گفتم چون هنوز از نواب والا پرنس بیسمارک جوابی در دست ندارم تأمل دارم. او گفت در اینجا دو روزه جواب به شما خواهد رسید. بعد از نیم ساعت صحبت برخواسته به منزل آمدم. دیروز دوشنبه قبل از ظهر پاکتی از وزارت خارجه آوردند که همان جناب هارتس فیلد^۲ وزیرامور خارجه به فدوی نوشته بود و پاکت مهوری هم از جانب پرنس بیسمارک در جواب دستخط مبارک انقاد داشته بود و نوشته بود، چون عریضه پرنس به زبان آلمانی است سواد آن را هم به زبان فرانسه فرستادم. فدوی یک شمه از آن سواد که لازم بود امروز سه شنبه تلگرافاً عرض نمود و اصل پاکت و سواد را اینک تقدیم حضور انور مبارکت ساخت. اصل عریضه که به زبان آلمان است در خاکپای مبارک ضبط خواهد شد و سواد آن که به زبان فرانسه است محتاج به ترجمه غیر نخواهد بود. رجوع به آن فرموده مطلب معلوم می‌شود. دیگر عرض تازه که جاش حضور مبارک باشد ندارد، مگر شرفیابی نوبت دوم خدمت حضرت ولیعهد که هنوز خبر نکرده‌اند.

غلام خانه زاد علیقلی

1. Bismark.

2. Hertz Feld.

فردا قمر از آینه های سارنگ دارم تغییر شده در نظر زاده

برای آنکه عرض کرده پس انداخته است در دست پادشاه

در میان خود نگه داشته اند تا وقت خود او را

کمی بعد از آنکه روزی که کتب چند از دست او افتاد

در دست مردم پدید آمد که کتب مدینه در آنجا بود

در آنجا که صحبت از آنست که در روز در شبه قمر از نظر

از در دست مردم آید در آنجا که کتب مدینه در آنجا بود

تغییر شده بود در آنجا که کتب مدینه در آنجا بود

در آنجا که کتب مدینه در آنجا بود و در آنجا که کتب مدینه

در آنجا که کتب مدینه در آنجا بود و در آنجا که کتب مدینه

در آنجا که کتب مدینه در آنجا بود و در آنجا که کتب مدینه



Handwritten notes and signatures on the right side of the page, including a large signature and several lines of text.

شماره سند: ۵

فرستنده: وزیر امور خارجه

گیرنده: —

موضوع: تشریفات روز ورود مسیو دبرانشوایگ^۱ وزیر مختار وایلچی پادشاه پروس به تهران

تاریخ: ۲۷ ذیحجه ۱۳۰۱ هـ ق

متن سند:

شنبه ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۳۰۱ ینجی ئیل

تشریفات روز ورود جناب مسیو دبرویش ویک وزیر مختار و ایلچی امپراطور آلمانیا و پادشاه پروس عمده الامراالعظام نصیرالملک رئیس مستقبلین و یک نفر سرتیب و یک نفر یوزباشی با یک صد نفر سواره قزاق و معتمدالسلطان حاجی حسینقلیخان معتمدالوزراء تا عمارت اسب دوانی به استقبال جناب ایلچی خواهند رفت.

به جناب جلالتما ب امینالسلطان ابلاغ شود به قرارداد حاجبالدوله در عمارت اسب دوانی میز و صندلیهای خوب و شیرینی و لوازم معمول آن را به طرزهای خوب و منفع حاضر خواهند ساخت و در شیرینی دقت خواهند نمود خوب باشد. قهوه چای باشی اسباب چایی و قهوه در آنجا مهیا خواهند کرد.

مستقبلین در آنجا با وزیر مختار بعد از صرف شیرینی و چایی و قهوه عازم باغ لاله زار وارد شهر خواهند شد با نظم و ترتیب چون جناب وزیر مختار سواره خواهد بود رئیس

۱. مسیو برانشوایگ (Von Graf Braunschweig) در سؤم ژوئیه ۱۸۴۵ م متولد شد. وی در دارالفنونهای هاندلبرک و برلین علم قوانین ملل را آموخت و پس از فارغالتحصیل شدن در اداره امور خارجه آلمان مشغول کار گردید. در سال ۱۸۷۶ م و ۱۸۷۷ م در اسلامبول و بوخارست مأموریتهای مختلف بهمرسانید و پس از امضای عهدنامه برلین از جانب دولت آلمان به عضویت کمیسیون بینالملل که بواسطه عهدنامه مزبور برای تشکیل انتظام مملکت رومانی شرقی منعقد گردید، درآمد و یک سال بعد در بلغارستان مأمور دیپلماتیک و ژنرال قنصل آلمان شده و سه سال بعد به سمت وزیر مختاری و ایلچی مخصوص دولت آلمان در دربار ایران منصوب گردید. شایان ذکر است که وی اولین وزیر مختار آلمان در دربار ایران بود.

مستقبلین همه جا همدوش وزیر مختار و سایرین پشت سر ایشان بقاعده و ترتیب خواهند آمد و میرآخور سه رأس اسب در اصطبل خاصه همایون بایراقهای طلاکی برای وزیر مختار و دو رأس برای یدک مهیا کرده جلودار با مستقبلین به عمارت اسب دوانی خواهد بود.

برای مسیو برونش مستشار سفارت و مسیو چرشکی^۱ نایب و مسیو لکاپتین برامیس وابسته نظامی سفارت که همراه وزیر مختار هستند من باب الاحترام از اصطبل همایون سه رأس اسب خوب فرستاده خواهد شد.

قدری به دروازه شهر مانده بیست نفر فراش و ده نفر شاطر حاضر خواهند بود هر یک با صاحبمنصب خودش آمده تا دم باغ لاله زار در پیشا پیش وزیر مختار باشند و نگذارند ارباب توقع زحمت به ایشان برسانند. آنها که تماشاچی هستند در معبرها ایستاده اند هنگام عبور جناب وزیر مختار به نظام صف کشیده بایستند و داخل هم نشوند باید قبل از وقت منظم نمایند که هنگام عبور ایلچی فراش مردم را اذیت نکند.

از حکومت دارالخلافة قدغن خواهند کرد که درویش و فقیر و ارباب توقع را نگذارند سر راه ایلچی باشند و راهها و کوچها را جارو و شب آب پاشی نمایند و چاهها و گودالها را مسطح نمایند.

در میدان توپخانه هنگام عبور وزیر مختار توپچیان موافق معمول قراول سلام نظامی به عمل آورند. بدون شیپور.

دویست نفر سرباز با یک نفر یاور باید دم دروازه که وزیر مختار از آنجا وارد شهر می شوند حاضر باشند و دویست نفر دیگر با یاور دم باغ لاله زار که در آنجا فرود خواهند آمد حاضر خواهند شد که موافق معمول سلام نظامی داده احترامات عسکریه به عمل آورند و ده نفر سرباز با یک نفر وکیل در آنجا قراول احترام خواهند بود و این همان قراول دائمی است که در سفارتخانه ها هست. برای دروازه و درب لاله زار یاور سرباز موقتی که خواهد ایستاد، از فوج

1. M. Tschirschky.

مخصوص حضرت والائتاب السلطنه باشند و تفنگ ورنندل داشته باشند.

جناب جلالتماب عضدالملک از نظارتخانه مبارکه ده خوانچه شیرینی به طوریکه معمول ورود سفراء است در باغ لاله زار قبل از ورود ایلچی حاضر خواهند نمود که اول تهئیت و تبریک باشد و در خوبی شیرینی و پاکیزگی خوانچه‌ها و ظروف خیلی دقت خواهند کرد. جناب جلالتماب مستوفی الممالک مقرر خواهند فرمود چهار نفر از مستوفیان عظام با لباس درباری در منزل وزیر مختار حاضر شده و از جانب ذی‌الجانب ملوکانه به رسم تفقدات را به عمل آورند.

روز دوم ورود ایلچی جناب آقای رضاخان اجودان مخصوص از طرف قرین‌الشرف همایون اقدس اعلی بباغ لاله‌زار رفته احوال پرسى از وزیر مختار خواهد نمود.

[حاشیه]:

جناب وزیر امور خارجه ملاحظه شد. از همین قرار برای ورود ایلچی آلمان به همه ادارات اخبار و اعلام شود که بدون نقص حاضر و آماده نمایند. انشاءالله

شماره سند: ۶

فرستنده: علیقلی خان مخبرالدوله

گیرنده: ناصرالدین شاه

موضوع: ملاقات با ولیعهد آلمان و پرنس بیسمارک^۱

تاریخ: ۲ صفر ۱۳۰۳ هـ ق

متن سند:

هو الله

قربان خاک پای جواهر آسای همایونت شوم، تفضیل ملاقات و نتیجه مذاکرات با پرنس بیسمارک در راپورتیکه به وزارت جلیله امور خارجه عرض شده است از پیشگاه حضور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه خواهد گذشت.

بر حسب اوامر علیه و تعلیمات شفاهی همایونی با نواب ولیعهد و پرنس بیسمارک به طرزهای خوش و مناسب مذاکرات مفصله کردم و هر دو به طور دلخواه جواب دادند به طوریکه خدا نکرده در صورت وقوع اشکال و غایله از طرف یکی از همسایگان بدون حرف دولت آلمانیا اقدامات دوستانه در رفع آن خواهد کرد و از توسط حقیقت مضایقه نخواهد نمود و از یمن اقبال بیرون عاکفان پایه سریراعلی موفقیت کامله در این مأموریت برای سفارت فوق العاده همایونی حاصل شد اینهمه آوازه از شه بود گرچه از حلقوم عبدالله بود.

بعضی از بیانات پرنس بیسمارک را بجهة اینکه البته بعضی از مأمورین وزارت جلیله خارجه می بینند در راپورت رسمی عرض نکرده اینک محض استحضار خاطر مبارک ولی نعمت همایون روحانفداه محرمانه عرض می کنم. پرنس مشارالیه در بین صحبت و مذاکره گفت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از دوستی دولت آلمانیا مطمئن باشند که در مقام ضرورت از مداخله و اقدامات دوستانه مضایقه نخواهد کرد ولی در مقام خیرخواهی بشما می گویم که به

1. Bismark.

حمایت و معاونت دیگران نباید خاطر جمع شده آسوده نشست زیرا که پولتیک دول مستقیم ولایتیغیر نیست و به جزئی چیزی تغییر می‌کند. باید هر دولتی در فکر استقلال خود باشند و استقلال خود را از دیگران نخواهند. محرک چرخ پولتیک دول امروز افکار عمومی است هیچ دولتی برخلاف میل و افکار ملت خود بکاری اقدام نمی‌تواند بکند پس باید کاری کرد که افکار عامه را متوجه و مساعد به خود کرد و آن هم نمی‌شود مگر به اقدامات صمیمی و غیرت و همت در اصلاحات داخلی و داخل شدن به طریق تمدنی که امروز لازم و ملزوم بقا و استقلال دول و ملل است باید افکار عامه را بخود انترسه (Interesse) کرد و اعتماد نباید نمود مگر به قوت خود در صورتیکه دایره تجارت مملکت با خارجه وسعت پیدا کرد افکار عامه متوجه و مساعد می‌شود و چون قوت حربیه و استعداد دولت رو به ازدیاد و ترقی گذاشت. دوستان مطمئن شده به حمایت و معاونت برمی‌خیزند. حمایت و اعانت بر زندگان می‌شود نه بر مردگان چیزیکه افکار عامه را در اروپا در این سامان متوجه دولت عثمانی کرده است غیرتی است که با وجود غوایل کثیره و موافق متعدده در ازدیاد و تکمیل قوه مالیّه و حربیه خود به کار می‌برند بطوریکه امروز استعداد حربیه ترکها در پولتیک عمومیّه و مسئله شرقیه وزن عظیم دارد. این است که همه با ایشان راه مدارا پیش گرفته و هر یک از دول رقیب در جلب ایشان به طرف خود اهتمام و بردیگر سبقت می‌کند. قوه مالیّه و ترتیبات اداره عسکریه ایران به درجه مطلوب نیست. نواقص زیاد دارد ولی استعداد هر نوع اصلاح و ادوات آن در ایران موجود است. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باید به اصلاح این دو اداره و اصلاح راههای مملکت و رفع موافق تجارت بدون فوت فرصت همت فرمایند. حرکت وقوعات امروز با برق و بخار است و الحکم لمن غلب وضع ما را می‌بینند که با وجود اطمینان از صلح اوضاع حربیه مثل ایام جنگ است پیوسته در تهیه اسباب و ملزومات جنگ و دفاع و شب و روز در مشق و تعلیم بهترین وسیله حفظ مصالحه و دوام صلح حاضر جنگ بودن است مایه بزرگ قوت و مکنت یک دولت در محفوظ بودن اداره مالیّه آن از حیف و میل و افراط و تفریط است. بهر وسیله است راه این خطر را باید

بست اگر مردمان کار آگاه و در علم اداره عالم هنوز در ایران نرسیده و کمیابست باید از خارج جلب کنند اگر از ما هم بخواهید اگر چه اشخاص کاردانی را که در سر کارند از خود دور نمی توانیم کرد ولی چنانکه محض دوستی در حق دولت عثمانی کرده ایم در حق دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هم مضایقه نکرده مردمان کاردان و کومپستان انتخاب کرده می فرستیم و اینها را محض خیرخواهی و دوستی می گویم استقلال و اقتدار دولت علیه ایران از مقتضیات حقیقی پولتیک دولت آلمانیاست ^{بالبجمله} در این زمینه صحبت زیاد شد. اگر در الفاظ و طرز بیان اختلافی باشد مضامین مطابق است. غلام جان نثار هم در مقابل آنچه از اقدامات حسنه بندگان آستان ولی نعمت همایونی روحانفداه در اصلاحات و اهتمامات علیه در تحصیل موجبات ترقی و مدنیّت در نظر بود بیان کردم. گفت از شنیدن اینها خوشحال می شوم و مجدداً سرمشق نمودن دولت پروسیا را به شما توصیه می کنم که در بدترین احوال فقر و فلاکت بود بهمت و غیرت و صبر و قناعت بدینمقام قوت و سعادت رسید. عرض مراتب را وجیبه ذمه چاکری دانسته جسارت نمودم زیاده امر وارده از بندگان آستان مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحناه فداه است.

۲ شهر صفر ۳۰۳

فبا این خاک بر عهد ساریها نشستم / تفسیر عذبات و محبتها با کمال در یاد / سحر کور است

بعینه امر فارسی عرض نهاد / در نگاه حضور محبت آمد / شکر بهای نیست در یاد / سحر کور است

خوب گذشت بر حسب او امر عذبه و صلوات / شفا یابد ببارت و عهد در یاد / سحر کور است

بظن از خوش و ناسب نه آنکه مقصود کم / و هر چه بطور و نحو در یاد / سحر کور است

نه آنکه در صورت وقوع احوال / و غایب از طرف کار این جان / در هیچ خود / سحر کور است

اقدامات در زمانه در رفع آن / خوب بود از وسط فقر مضائقه / خوب بود در یاد / سحر کور است

عاکفان باین بر سر بیارفت / کما عهد در این ناریت / بکبر سعادت / سحر کور است

حاضر شد آینه آرزو / از سر نو کرده از مقیم عهد / سحر کور است

وزارت
بخش

توضیح از بیانات پرسس مبارک / را بگفته بگفته / به نظر از نامور / سحر کور است

در غایت در ادب است / هر عرض کرده / اینک محض اظهار مبارک / سحر کور است

رو فایده لا محو مانده عرض / بکنم پرسس باین / در پس صحبت / سحر کور است

باید است با هم از سر / در وقت آینه نظن / بشنود در مقام ضرورت / سحر کور است

و اقدامات در زمانه مضائقه / خوب بود از وسط فقر مضائقه / خوب بود در یاد / سحر کور است

و سعادت دیگر / باین خاطر جمع / شکر است / سحر کور است

توجه می نمود که در آن امینو کبریا که امانت صمیم و غیرت است و در صدد ^{حکمت}
 و در هر سدی بطریق تمدنی در امر و اندام مردم تقاد و اعتدال بود و در ^{تعمیر}
 خود اثر نه (interest) که و عینا به نزد کبریا خود در صورتیکه در ^{تعمیر}
 تبارت مملکت با فایده و دست به آید که عینا به توجه می نمود و چون ^{تعمیر}
 و اهتمام دولت رو باز دیال و رتبه که نیست هر تن مملکت استکبارت و ^{تعمیر}
 حمایت و عانت رزیدگان منو نه و مملکتان غیر که عینا به زور و با و در ^{تعمیر}
 سامان توجه دولت عینا که نیست غیرت است با و جو خود کسره و ^{تعمیر}
 در از دیال و کلمه قوه مالمه و حوسه خود کبار پسند بطوریکه امروز است ^{تعمیر}
 دولت عمویته و سلمه شرقیه و زنی عظیم دارد و این است در ^{تعمیر}
 که قسم و هر یک از اول رف در حسب انان بطرف خود اتهام و بر ^{تعمیر}
 قوه مالمه و ترجمات اداره عکس از این بر ضمه مطلوب نیست ^{تعمیر}
 و این است که امروز صلح و اجراءات آن در ^{تعمیر}
 با صلح این امر اداره و صلح را اهل مملکت در رفع موانع ^{تعمیر}
 فرصت است و غیر حرکت و موانع امروز با برق و ^{تعمیر}
 لمز غلب وضع ما را منسب که با و جو ^{تعمیر}
 حکمت است بویسته در تهیه باب و ^{تعمیر}
 در کس و تعلیم بهتر من و سلمه حفظ مصالح و در ^{تعمیر}
 مایه بزرگ قوت و مکنت مملکت در محفوظ ^{تعمیر}
 در عیف و میر و غلط و تعزیر است به ^{تعمیر}

نادر و کتابخانه
 مورخ خارجی
 اسناد

به همت اگر مردمان کارگاه دور علم داوره عالم بنور الهی زینبیه و کرامت بهار جان
 طاعت کند اگر از امام بخوابد اقصای کائنات را در بر آید در هر کاره در هر کجای که بود
 چنانکه مضمون تر در حق و در حق عثمان که هم در حق و در حق و در حق و در حق
 هم مضایقه کرده مردمان کاروان و کرامت انبیا که در پیوسته و در پیوسته
 مضمون خیر خیر و در پیوسته استعدال و قدر استعدال استعدال و در پیوسته استعدال
 بود استعدال استعدال استعدال با هم در پیوسته استعدال استعدال استعدال
 و طرز زبان جمله با هم مضایق مطابق است فقه جان نام در پیوسته
 از جمله استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال
 علیه در کتب و در کتب و در کتب و در کتب و در کتب و در کتب و در کتب
 خوشحال میم و بگردان سرش نمودن در استعدال استعدال استعدال استعدال
 اهل حق و فداک بود استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال
 و سعادت ربه عرض استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال
 مردمان استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال استعدال



شماره سند: ۷

فرستنده: سفارت آلمان در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: فوت امپراتوریس و ملکه فردریک^۱

تاریخ: ۱۳۱۹ هـ ق

متن سند:

جناب مستطابا، با کمال افتخار دولت علیّه ایران را اخطار و اطلاع می‌دهد که
 اعلیحضرت امپراتوریس و ملکه فردریک زوجه اعلیحضرت امپراطور و پادشاه فردریک سیّم و
 مادر اعلیحضرت امپراطور و پادشاه گیوم^۲ دویم متبوع مفخم من بتاريخ پنجم ماه اوت شش
 ساعت بعد از ظهر در هامبورگ وفات نمود. و احترامات را در این موقع تجدید می‌نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِحَالِ تَعْدِيهِ فِي رَأْسِ الْخَطِّ

رَطَّبَ سِدْرَةَ الْعِلْمِ امپراطور دهم فردریک زوجه اعلیحضرت امپراطور

پادشاه فردریک سیّم زوجه اعلیحضرت امپراطور پادشاه گیوم دویم متبوع

نهم بر تاریخ پنجم ماه اوت شش متبوع مفخم من بعد از ظهر در هامبورگ

وفات نمود و احترامات را در این موقع تجدید می‌نماید



1. Frederick.

2. Giyyom.

Kaiserlich
Deutsche Gesandtschaft
für Persien.

Téhéran le 7 Août 1871.

N. N. 474.

Excellence.

J'ai l'honneur de porter à la connaissance de
Vostre Excellence que Sa Majesté l'Im-
peratrice et Reine Frédéric, veuve de Sa Majesté
l'Empereur et Roi Frédéric III et mère de Sa Majesté
l'Empereur et Roi Guillaume I, nous Auguste Impératrice
en Secours à Hambourg, le 5 Août à 6 heures du soir.

Veuillez agréer, Excellence, les assurances de
ma plus haute considération.

Le Ministre d'Allemagne

à Son Excellence *Ote Rea.*

Murshid-ud-Daulah,

Ministre des Affaires Étrangères.

Lesjick.



ترغیب نمود که احمد شاه و دولت را به اصفهان مهاجرت دهد. اما فن اتر^۱ و مارلینگ^۲ وزرای مختار روسیه و انگلیس شاه را تهدید نمودند که در صورت ترک تهران، تاج و تخت خود را از دست خواهد داد^۳. بدین ترتیب آنها موفق شدند از خروج احمد شاه جلوگیری نمایند. ولی پرنس رویس به همراه عده‌ای از رهبران حزب دمکرات به قم عزیمت کرده و در آن شهر کمیته‌ای بنام «کمیته دفاع ملی» را تشکیل دادند^۴. در تهران با فشار روسیه و انگلیس مستوفی‌الممالک از نخست وزیر برکنار و عبدالحسین میرزا فرمانفرما که مورد تأیید روسیه و انگلیس بود به این سمت منصوب گردید^۵.

در دسامبر ۱۹۱۵ مهاجرین که قم را مرکز ستاد خود قرار داده بودند، مورد حمله قوای روسی قرار گرفتند. مهاجرین پس از شکست از نیروی روسی به کرمانشاه عقب نشینی کرده و در آن شهر حکومت موقتی را به ریاست نظام‌السلطنه مافی تشکیل داده و با نیرویی متشکل از چهل هزار نفر از ایلات و عشایر طرفدار آلمان به انجام عملیاتی علیه روسها و انگلیسها پرداختند. این اقدامات ضد انگلیسی و روسی که در جنوب کشور با شدت بیشتری در جریان بود دولت انگلیس را بر آن داشت که برای ایجاد امنیت یک نیروی متشکل نظامی در جنوب ایران مستقر نماید. لذا تصمیم گرفتند که نیرویی بنام «پلیس جنوب ایران»^۶ تشکیل شود. این نیرو به دنبال انعقاد قراردادی میان وزرای مختار انگلیس و روسیه با فرمانفرما در بهار سال ۱۹۱۶ تشکیل گردید و رهبری آن به عهده سرپرسی سایکس^۷ واگذار شد^۸. پس از ورود سرپرسی سایکس به ایران حوادث ناگواری

1. Von Etter

2. Marling

۳. تاریخ روابط خارجی ایران، تألیف عبدالرضا هوشنگ مهدوی، از انتشارات کتابهای سیمرغ، ۱۳۵۵، ص ۳۳۱.

۴. جمهوری فدرال آلمان، از سری انتشارات بررسی مسایل کشورها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۲.

۵. تاریخ روابط خارجی ایران، تألیف عبدالرضا هوشنگ مهدوی، از انتشارات کتابهای سیمرغ، ۱۳۵۵، ص ۳۳۱.

۶. پلیس جنوب یا تفنگداران جنوب ایران (South Persia Rifles (S.P.R)) متشکل بود از افسران انگلیسی و افراد داوطلب ایرانی و هندی که تعداد آنها به هشت هزار نفر می‌رسید.

7. Sir Percy Sykes

رخ داد. در بندر لنگه تنگستانیها یک مأمور انگلیس را به اتفاق دو برادرش و دو سرباز هندی به قتل رساندند و در مکران نیز دو افسر انگلیسی بنامهای هوگز^۹ و هورست^{۱۰} توسط شخصی بنام ریند^{۱۱} کشته شدند. از دیگر اتفاقاتی که در این زمان رخ داد، سقوط کورت‌العماره توسط عثمانیها بود که برای انگلیس‌ها حادثه‌ای مصیبت‌بار محسوب می‌شد. سرپرسی سایکس پس از ورود به ایران در بندر عباس اقامت گزید. وی موفق گردید بتدریج کرمان و بلوچستان را متصرف شده، این مناطق را از وجود عناصر آلمانی و طرفداران آنها پاکسازی نماید. وی سپس عازم یزد گردید، اما به دلیل وخامت اوضاع اصفهان یزد را رها کرده، راهی اصفهان شد و اصفهان را بدون هیچگونه زدو خوردی به تصرف خود درآورد. سایکس پس از برقراری نظم در اصفهان به طرف فارس روانه گردید. هدف وی این بود که واسموس را دستگیر و یا از منطقه فارس براند و این منطقه را که دائماً به جهت تحریکات واسموس ناآرام بود تحت نظارت خود درآورد^{۱۲}.

سرپرسی سایکس پس از در هم شکستن مقاومت عشایر تنگستانی در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۶ به همراه فرمانفرما حکمران جدید فارس فاتحانه وارد شیراز شد و باقیمانده نیروی ژاندارم را که آخرین کانون مقاومت را در جنوب تشکیل می‌داد، خلع سلاح کرد. نیروی پلیس جنوب در ۲۱ مارس ۱۹۱۷ از طرف وثوق‌الدوله صدراعظم وقت ایران به رسمیت شناخته شد.

روابط اقتصادی ایران و آلمان

روابط اقتصادی دو کشور از دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار رو به گسترش نهاد. در طی سفر اوّل ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۷۳ عهدنامه مودت و تجارت

۸. تاریخ روابط خارجی ایران، صص ۳۳۲، ۳۳۳.

9. Hughes

10. Horst

11. Rind

۱۲. رساله «آلمان به عنوان قطب سوم سیاسی در ایران»، تألیف فرشته اعظم میرفخرایی،

صص ۲۹۹ - ۳۰۲.

فیما بین ایران و آلمان در تاریخ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۹۰ هـ ق / ۱۸۷۳ منعقد گردید.

در سال ۱۲۸۶ هـ ق ناصرالدین شاه طی فرمانی وزیر امور خارجه وقت ایران را مأمور کرد که با شرکت آلمانی زیمنس^۱ و هالسکه^۲ قراردادی در مورد تمدید سیم تلگراف بین شیراز و بندرعباس را منعقد و مبادله نماید^۳.

در سال ۱۳۱۷ هـ ق / ۱۸۹۹ مظفرالدین شاه قاجار امتیاز تجسس و انکشاف نقاط طلا دار منطقه کاوند از توابع زنجان را به مسیو کودرسکی^۴ تبعه آلمان و میرزا محمد علی فرزند حاج معین‌التجّار اعطاء کرد^۵.

در دوران سلطنت مظفرالدین شاه یعنی در اواخر قرن نوزدهم، امپراتوری آلمان که متوجه اهمیت خاورمیانه شده بود درصدد یافتن راهی به این منطقه و استقرار پایگاهی در خلیج فارس برآمد. در این راستا یک شرکت تجارتي آلمان بنام ونکھوس^۶ نمایندگی خود را در بندر لنگه تأسیس و معاملات صدف و مروارید را آغاز نمود. شرکت مزبور در سال ۱۹۰۱ دامنه فعالیت خود را توسعه داده و مرکز نمایندگی خود را به بحرین منتقل کرد و شعبات دیگری نیز در بصره و بندرعباس افتتاح نمود. در سال ۱۳۲۰ هـ ق / ۱۹۰۲ نخستین خط کشتیرانی بین هامبورگ و بنادر خلیج فارس دایر گردید^۷.

در سال ۱۳۲۵ هـ ق ۱۹۰۷ قرارداد مربوط به تأسیس بانک آلمانی در ایران میان دو دولت منعقد گردید که بر اساس آن به «دویچ اوریانت بانک اگتسین کزل شافت» (بانک شرقی آلمان شرکت آنونیم) اجازه داده شد که بانکی در تهران تأسیس نماید که اقلأ دارای دو کروور تومان سرمایه باشد؛ بانک مزبور می‌توانست در سایر شهرهای ایران شعبه افتتاح

1. Siemens

2. Halske.

۳. به سند شماره ۱۲۵ کتاب حاضر مراجعه گردد.

4. M.Gudersky.

۵. به اسناد شماره ۱۲۶ الی ۱۲۹ کتاب حاضر مراجعه گردد.

6. Wonckhause

۷. جمهوری فدرال آلمان، از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۱.

نماید.^۱

لازم به ذکر است که این قرارداد به جهت مداخلات روس و انگلیس که تأسیس بانک را ایزاری جهت نفوذ آلمان در ایران می‌دانستند، به مرحله اجرا در نیامد. در سال ۱۲۸۶ هـ ش / ۱۹۰۸ اولین کارخانه چرم سازی در تبریز توسط یکی از اتباع آلمانی تأسیس شد و پس از چندی کارخانه کبریت سازی نیز در این شهر توسط آلمانیها افتتاح گردید.

در سال ۱۳۰۶ هـ ش / ۱۹۲۷ چند تن از اتباع آلمانی «شرکت فرش ایران» را ایجاد کردند که این امر موجبات رونق صادرات فرش ایران را به آلمان فراهم آورد.^۲ از اوایل قرن بیستم تجارت و بازرگانی بین دو کشور در پی ورود اتباع آلمانی به ایران و مبادله اقلامی مانند پوست و پشم، برگه میوه و بادام تلخ در مقابل وسایل کشاورزی، ماشین آلات، چراغ و لوازم تلفنی و لوازم خانگی آغاز گردید.^۳ پس از وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه نفوذ آن دولت در ایران کاهش یافت و نفوذ و اعتبار انگلیس نیز بر اثر شکست قرارداد ۱۹۱۹ در ایران تقلیل یافت در نتیجه روابط ایران و آلمان به ویژه پس از به قدرت رسیدن رضاشاه روز به روز رو به گسترش نهاد.

روابط فرهنگی ایران و آلمان

روابط فرهنگی بین ایران و آلمان دارای سابقه‌ای طولانی و ریشه‌دار می‌باشد. سفرنامه‌های متعددی در مورد ایران از طرف جهانگردان و سیاحان آلمانی که در طی قرون مختلف به ایران سفر کرده بودند، تألیف و به چاپ رسیده است که از آن جمله

۱. سند شماره ۱۳۰ کتاب حاضر ملاحظه گردد.

۲. رساله «بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری فدرال آلمان»، تألیف رضا بهمنش، ۱۳۷۱، ص ۳۴.

۳. اسناد شماره ۱۳۴، ۱۳۵ کتاب حاضر ملاحظه گردد.

می‌توان به سفرنامه‌های «هانس یوهان شلیت برگر»، «فون برگ^۱»، «فن پوزر» و «آدام اولتاریوس^۲» اشاره نمود. آدام اولتاریوس که در سال ۱۰۱۲ هـ ش / ۱۶۳۳ به همراه هیئتی از طرف «هرزوغ فریدریش^۳» حاکم ایالت شلزویک و هلشتاین به ایران آمده بود، علاوه بر تألیف سفرنامه‌ای در مورد ایران گلستان سعدی را نیز به زبان آلمانی ترجمه کرد. این ترجمه مهمترین ارمغانی بود که هیئت مزبور پس از چند سال اقامت در ایران به کشور خود بردند.

نخستین ترجمه آلمانی اوستا در سال ۱۱۵۵ هـ ش / ۱۷۷۶ م توسط «یوهان فریدریش کلویکر^۴» صورت گرفت و در سال ۱۱۷۰ هـ ش / ۱۷۹۱ م بخشهایی از دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی و چند فصل از گلستان سعدی به ترتیب توسط «فریدریش وال^۵» و «یوهان گودفرید هردر^۶» به آلمانی ترجمه و منتشر شد. همچنین در سال ۱۱۷۲ هـ ش / ۱۸۰۲ و ۱۱۷۹ هـ ش / ۱۸۰۹ ترجمه منتخباتی از شاهنامه فردوسی توسط اشخاصی بنام «وال» و «فریدریش اشگیلر^۷» به چاپ رسید و نیز در سالهای ۱۱۸۱ هـ ش / ۱۸۰۲ و ۱۱۸۶ هـ ش / ۱۸۰۸ شخصی بنام «آنتوان تئودور هارتس^۸» ترجمه‌های متعددی از اشعار فارسی و ترجمه‌ای از لیلی و مجنون جامی را در لایپزیک و برلن منتشر نمود.

در آغاز قرن سیزدهم هجری شمسی «فریدریش گروتفند^۹» ایران شناس برجسته آلمانی تحقیقات و تبقات خود را در مورد خط و زبان ایران باستان آغاز کرد و در این زمینه موفقیت‌هایی را کسب نمود. وی از بنیانگذاران مکتب ایران‌شناسی در آلمان بود^{۱۰}. در قرن نوزدهم دانشمندان آلمانی تحقیقات ارزنده‌ای را درباره فرهنگ ایران

1. Von Berg

2. Adam, Olearius

3. Herzug, Friedrich

4. Johann Friedrich Kleuker

5. Friedrich Val l.

6. Johann, Gottfried Herder

7. Friederich Sgiller

8. Antoun Teodor Hertz

9. Friederich Grotenfend

۱۰. رساله بررسی روابط جمهوری اسلامی با جمهوری فدرال آلمان، تألیف رضا بهمنش، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱، صص ۹۸ و ۹۹.

انجام دادند. در این دوره بخشهایی از اشعار مولانا جلال‌الدین مولوی به زبان آلمانی ترجمه شد و همچنین بزرگترین و گرانباترین اثر مربوط به ایران در ادبیات مغرب زمین یعنی «دیوان شرقی و غربی»^۱ توسط «ولفگانگ گوته»^۲ انتشار یافت. این اثر از یک سو نقطه عطفی در آشنایی عمیق مردم آلمان و اروپا با حافظ گردید، و از سوی دیگر منجر به تأسیس و تشکیل مکتب «حافظ شناسی» در اروپا شد.

در سال ۱۲۴۲ هـ ش / ۱۸۶۳ اولین دستور زبان فارسی به زبان آلمانی توسط شخصی بنام «شولته» تألیف شد و طی سالهای ۱۸۹۰ الی ۱۸۹۵ شخصی بنام «فریدریش روکرد»^۳ شاهنامه فردوسی را ترجمه کرده آن را در سه جلد مفصل انتشار داد.^۴

در سال ۱۲۶۴ هـ ش / ۱۸۸۵ در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تدریس زبان آلمانی در مدرسه دارالفنون ایران معمول گردید.

در سالهای نخستین مشروطیت آلمانها در صدد برآمدند در ایران یک مرکز فرهنگی ایجاد نمایند، لذا با کسب موافقت دولت ایران در سال ۱۹۰۷ مدرسه آلمانی در ایران تأسیس شد. این مدرسه در سال بیست هزار تومان بودجه داشت دوازده هزار تومان آن را دولت ایران و مابقی را دولت آلمان می‌پرداخت. رئیس و تعدادی از معلمان مدرسه، آلمانی بودند و تعدادی معلم ایرانی هم در مدرسه تدریس می‌کردند. شاگردانی که از این مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شدند مانند محصلین مدارس تخصصی آلمان در دارالفنونهای عالی اروپا پذیرفته می‌شدند.

در مدرسه آلمانی هر سال جشنواره‌ای به مناسبت گشایش سال نو تحصیلی برپا می‌گردید و کلیه اولیای دانش‌آموزان در این جشن شرکت می‌کردند. در این مراسم یک سال یکی از معلمین آلمانی و سال دیگر یکی از معلمین ایرانی سخنرانی روز جشن را

1. West Oestlicher Diwan

2. Wolfgang Goethe

3. Friederich Rukert

۴. جمهوری فدرال آلمان، از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۷.

ایراد می‌کرد.^۱

مدرسه آلمانی در طول جنگ جهانی دوم به زور قوای روس و انگلیس که همواره با وجود آن در ایران مخالف بودند تعطیل گردید.^۲ اما پس از اتمام جنگ مجدداً کوششهایی از طرف دو دولت ایران و آلمان به عمل آمد تا مدرسه بازگشایی گردد.^۳ به طور کل می‌توان گفت که آلمان پیوسته بیشترین نقش را در اشاعه فرهنگ و تمدن ایران در میان سایر ممالک غربی را بر عهده داشته است و دانشمندان و پژوهشگران این کشور در انجام این امر از هیچ کوششی فروگذاری نکرده‌اند.

روابط نظامی ایران و آلمان

ناصرالدین شاه در اولین سفر خود به اروپا در سال ۱۲۹۰ هـ ق / ۱۸۷۳ از کارخانه اسلحه سازی کروپ آلمان بازدید به عمل آورد. در این بازدید از جانب فریدریش کروپ^۴ صاحب کارخانه مزبور یک عراده توپ به عنوان هدیه به ناصرالدین شاه تقدیم شد. در واقع می‌توان گفت این بازدید آغازی بر همکاری نظامی ایران و آلمان و خرید اسلحه آلمانی گردید.^۵ ناصرالدین شاه در یادداشت‌های روزانه خود این گونه به دیدارش از کارخانه کروپ اشاره می‌کند.

«... ما به تأسیسات آقای کروپ وارد شدیم که خودش برای دیدار ما به ایستگاه آمد. او پیرمردی لاغر و بلند قد است. وی خودش در مدت زمانی معین، تمام کارها را فراهم کرده است. از این رو توپهای مورد نیاز هر حکومت را آماده می‌کند. هر نوع

۱. چهل سال در صحنه، خاطرات دکتر جلال عبده (ج ۱) مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸، ص ۲۳.

۲. خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۶۷، ص ۳۴۶، ۳۴۷.

۳. اسناد شماره ۱۵۴ الی ۱۶۶ کتاب حاضر ملاحظه گردد.

4. Friedrich Krupp

۵. رساله «آلمان به عنوان قطب سوم سیاسی در ایران»، تألیف فرشته اعظم میرفخرایی، ص ۷۰.

اسلحه‌ای مثل توپهای بزرگ قلعه‌ها، توپهای کشتیها و توپهای مورد استفاده در اردوگاهها، همگی در اینجا تولید می‌شوند. کارخانه و کارگاههای او که با نیروی بخار کار می‌کنند، به یک شهر نیرومند شباهت دارد. وی ۱۵۰۰۰ کارگر در استخدام خود دارد و برای تمام آنها خانه‌ها و اتاقهایی درست کرده است و به آنها حقوق و دستمزد می‌پردازد. درآمد سالیانه خود وی پس از کم کردن هزینه‌هایش به ۸۰۰/۰۰۰ تومان بالغ می‌گردد ... آقای کروپ یک توپ شش پوندی با شکوه با تمام تجهیزاتش به ما هدیه نمود ...»^۱.

در سال ۱۸۷۴ ایران اولین محموله اسلحه را که شامل تعدادی تفنگ مستعمل ارتش پروس بود از آلمان خریداری کرد. در این دوران با اینکه هیچ هیئت نظامی از طرف امپراتوری آلمان به ایران نیامد اما مشاوران خصوصی این کشور معاملات پرمفعتی را در مورد فروش اسلحه به ایران به نفع آلمان انجام دادند.^۲

در دومین سفر ناصرالدین شاه به آلمان در سال ۱۲۹۶ هـ ق / ۱۸۷۸ شاه بار دیگر با مسیو کروپ^۳ ملاقات کرد و از نمایشگاه تجهیزات نظامی در کارخانه اسن^۴ بازدید به عمل آورد.^۵ هر چند هیچ سندی که مبین فروش اسلحه به ایران باشد در دست نیست، اما شاه در سفرنامه خود ضمن اشاره به ملاقات با مسیو کروپ و بازدید از کارخانجات اسلحه سازی راجع به خرید تفنگ می‌نویسد «میرزا ملکم خان در برلن ماند که قرارنامه خرید تفنگ را با دولت پروس ببندد».^۶

در فاصله سالهای ۱۸۹۰ الی ۱۹۰۰ کارخانه کروپ بیش از سایر کارخانه‌های اسلحه سازی تمایل به فروش اسلحه به ایران را داشت و فعالیت‌های فراوانی جهت افزایش

۱. تاریخ روابط ایران و آلمان، تألیف برادفورد. جی. مارتین، ترجمه پیمان آزاد، علی امید، انتشارات پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸، ص ۶۹.

۲. تاریخ روابط ایران و آلمان، تألیف برادفورد. جی. مارتین، ترجمه پیمان آزاد علی امید، از انتشارات پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸، ص ۹۶.

3. Krupp

4. Essen

۵. رساله «آلمان به عنوان قطب سوم سیاسی در ایران»، تألیف فرشته اعظم میرفخرایی، ص ۷۱.

۶. سفرنامه اول فرنگ، به قلم ناصرالدین شاه قاجار، چاپ میهن، ۱۳۴۳، صص ۵۰، ۶۰.

میزان فروش اسلحه به عمل آورد، اما این تلاشها چندان به نتیجه مطلوب نرسید.
در سال ۱۳۰۳ هـ ق / ۱۸۸۵ ناصرالدین شاه تصمیم گرفت برای بندر بوشهر از
آلمان کشتی خریداری نماید. وی صنایع الدوله را مأمور انجام این خدمت کرد. کشتی را در
بندر برمن^۱ سفارش دادند.^۲

پس از مدتی یک کشتی ششصد تنی به نام پرسپولیس و یک کشتی ۲۵۰ تنی
بنام شوش خریداری و چند فروند دیگر به کارخانه‌های کشتی سازی برمن سفارش داده
شد. این کشتیها پس از ورود به ایران توسط ملوانان آلمانی اداره می‌گردیدند.^۳

در دوره انقلاب مشروطیت معاملات خوبی بین کارخانجات کوچک اسلحه
سازی آلمان و ملیون و سلطنت طلبان ایرانی انجام گرفت. به موجب گزارش روزنامه
«نویه ورمیا»^۴ در اولین محاصره شهر تبریز در سال ۱۳۲۶ هـ ق / ۱۹۰۸ مشاوران نظامی
آلمانی به انقلابیون اسلحه رسانیده و آنها را بر علیه روسیه تحریک می‌نمودند، و در سال
۱۳۲۷ هـ ق / ۱۹۰۹ شونه مان^۵ نماینده کنسولگری آلمان در تبریز واسطه فروش ۱۵۰۰
قبضه تفنگ و یک میلیون فشنگ به انقلابیون ایران بود. بیشتر مهمات ارسالی شونه مان
به تبریز از طریق روسیه انجام می‌گرفت. در این دوره شرکت آلمانی تبریز که شونه مان
نماینده آن بود، با کارخانجات اسلحه و مهماتسازی آلمان در تبریز فروشندگان اصلی
اسلحه به ایران بودند.^۶

آخرین فروش تسلیحات آلمان به ایران اندکی قبل از آغاز جنگ جهانی اول
انجام پذیرفت که شامل تعداد زیادی تفنگ لوله کوتاه (کارابین)^۷ می‌شد. این معامله با پا

1. Bremen

۲. گزارش ایران، تألیف مخبرالسلطنه هدایت، نشر نقره، چاپ دوم ۱۳۶۳، ص ۱۲۶.

۳. اسناد شماره ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲ کتاب حاضر ملاحظه گردد.

4. Novoye Vremya

5. Schuenemann

۶. رساله «آلمان به عنوان قطب سزم سیاسی ایران»، تألیف فرشته اعظم میرفخرایی، ص ۷۳،

۷۴.

7. Carabin.

در میانی وزیر جنگ آلمان صورت گرفت^۱.

کتاب گزیده «اسناد روابط ایران و آلمان» که اینک به یاری خداوند متعال اولین جلد آن از نظر خوانندگان و پژوهشگران عزیز و ارجمند می‌گذرد شامل اسنادی است که عموماً بین سالهای ۱۲۸۶ هـ ق الی ۱۳۴۶ هـ ق مطابق با ۱۲۴۸ هـ ش الی ۱۳۰۶ هـ ش تهیه و تدوین گردیده و بیانگر روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... دو کشور ایران و آلمان می‌باشد. کتاب حاضر پس از پیشگفتاری از مقام محترم وزارت امور خارجه جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی و مقدمه‌ای در مورد تأسیس دولت آلمان و موضوعات یاد شده که از نظر گرامیتان گذشت، در هشت فصل به شرح ذیل تهیه و تدوین گردیده است. امید آنکه مورد توجه و استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.

۱. فصل اول: اسناد روابط سیاسی ایران و آلمان (۳۷ سند)
 ۲. فصل دوم: اسناد جنگ بین‌الملل اول (۱۹ سند)
 ۳. فصل سوم: اسناد فعالیت‌های آلمانیها در ایران (۶۸ سند)
 ۴. فصل چهارم: اسناد روابط اقتصادی ایران و آلمان (۱۸ سند)
 ۵. فصل پنجم: اسناد روابط فرهنگی ایران و آلمان (۲۷ سند)
 ۶. فصل ششم: اسناد روابط نظامی ایران و آلمان (۱۱ سند)
 ۷. فصل هفتم: اسناد امور مذهبی، انجمنها و کنفرانسها، نمایشگاهها
- بخش اول: اسناد امور مذهبی (۲ سند)
- بخش دوم: اسناد انجمنها و کنفرانسها (۴ سند)
- بخش سوم: اسناد نمایشگاهها (۲ سند)

والسلام علی من التبع الهدی
مینا ظهیر نژاد ارشادی، کارشناس
اداره انتشار اسناد
اسفند ۱۳۷۳

۱. روابط ایران و آلمان، تألیف برادفورد. جی. مارتین، ترجمه پیمان آزاد، علی امید، انتشارات پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸، ص ۳۳۰.
- اسناد شماره ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۰ ملاحظه گردد.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فصل اول

اسناد روابط سیاسی ایران و آلمان

شماره سند: ۱

فرستنده: سفارت ایران در پاریس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: جلوس پادشاه پروس^۱ بر تخت سلطنت

تاریخ: ۹ صفر ۱۲۷۸ هـ ق

متن سند:

قبله گاهها، از قراریکه مرقوم فرموده بودند، اعلام رسمی اعلیحضرت پادشاه پروس در باب جلوس خودش به اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه نرسیده لهذا کمترین در یک مجلسی بحس تقریب به وزیر مختار آن دولت که مقیم پاریس است اظهار کردم مشارالیه از تاخیری که در این باب اتفاق افتاده اظهار تأسف کرد و گفت تکلیف رسمی من است که دولت خود را به زودی آگاه نمایم. چند روز بعد از آن مراسله به کمترین نوشته و نامه از پادشاه پروس به سفارت فرستاده ابلاغ آن را از کمترین خواهش کرده بود. اینک نامه را به توسط عالیجاه میرزا علینقی ارسال نمود. البته از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی نیز مراسم تهنیت جلوس مجری و معمول خواهد شد.

بر حسب اذن و فرمایش اولیای دولت بدین تفضیل اسباب جراحی و ادویه شمی اتباع نموده مصحوب عالیجاه میرزا علینقی ارسال داشت. استدعا دارم که دویست و نود و چهار تومان قیمت آنها را با هفتصد تومان قیمت اسبابی که پارسال با عالیجاهان میرزارضا و میرزا حسین ارسال شده التفات فرمایند. زیاده جسارتست.

جمعه ۹ شهر صفرالمظفر ۱۲۷۸

[حاشیه]:

- این اسباب مال دولت است باید تحویل شخصی داده شود و قبض گرفته شود.

۱. پروس (Preuss): قسمتی از سرزمین آلمان بود که در قرن هیجدهم بصورت یک دولت مقتدر در صحنه سیاسی اروپا ظاهر شد. در سال ۱۸۷۱ بیسمارک صدراعظم پروس این دولت را به صورت امپراتوری آلمان توسعه داد. مرکز پروس شهر برلین بود.



نظاره محترم شاه ایران
 LÉGATION
 S. M. I.
 LE SCHAH DE PERSI
 A PARIS.

قبلا، روز دوشنبه در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت

بین شاه و خاندان رسید، نه ازین در یک محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 شاه از این خبر در این محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت

نظاره محترم شاه ایران
 در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت



در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت
 در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت و در تمام محفلت

شماره سند: ۲

فرستنده: علیقلی خان مخبرالدوله^۱

گیرنده: ناصرالدین شاه

موضوع: ملاقات با پرنس بیسمارک^۲ صدراعظم آلمان

تاریخ: ۱۳۰۱ هـ ق

متن سند:

قربان خاکپای انور اقدس همایون گردم، در عریضه اوّل که ششم ماه جمادی الثانی عرض نمود، صورت اجمالی حالات را تا آن روز معروض داشت و از آن روز به بعد شرح احوال از قراری است، که معروض می‌دارد. سه شنبه چهارم که به ملاقات پرنس بیسمارک رفته بود و صورت آن عرض شد، جمعه ۱۴ به دیدن موسیولان دو^۳ نویسنده وزارت امور خارجه که سابق

۱. مخبرالدوله: علیقلیخان (ف ۱۳۱۵ هـ ق) فرزند رضاقلی خان هدایت هزار جریبی از تحصیل کردگان فرنگ بود. وی پس از مراجعت از فرنگ به کار امتداد خطوط تلگرافی در ایران مأمور شد و در سال ۱۲۸۶ هـ ق به مخبرالدوله ملقب گردید. مخبرالدوله در سال ۱۲۹۶ هـ ق وزیر تلگراف، در ۱۲۹۹ هـ ق وزیر علوم و رئیس مدرسه دارالفنون، در ۱۲۹۹ هـ ق وزیر معادن و در ۱۳۱۴ هـ ق وزیر داخله شد.

۲. پرنس بیسمارک (Otto Edouard Leopold. Prince de. Bismark Chouhausen) سیاستمدار قدرتمند پروسی در سال ۱۸۱۵ در شونهاوزن (ماگدبورگ) واقع در پروس متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در یکی از بهترین مدارس ادبی برلین سپری کرد و سپس برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه برلین گردید. بیسمارک پس از اتمام دانشگاه به خدمت دولت درآمد، اما پس از مدتی کار دولتی را رها کرده در مزرعه پدرش به کشاورزی پرداخت و در مدت نه سالی که به این کار اشتغال داشت کتب بیشماری در زمینه تاریخ و علم الاجتماع مطالعه نمود.

بیسمارک در ۱۸۴۷ به نمایندگی دیت پروس انتخاب شد و از ۱۸۵۱ الی ۱۸۵۹ نماینده پروس در دیت فرانکفورت و از ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۲ سفیر پروس در روسیه و در سال ۱۸۶۲ سفیر پروس در فرانسه بود. بیسمارک در همین سال از طرف ویلهلم اوّل به مقام صدر اعظمی و وزارت امور خارجه پروس منصوب شد. وی طی سه جنگ با دانمارک، اتریش و فرانسه کشورهای جزو ژرمنی را متحد کرد و آلمانی متحد و قوی به وجود آورد. بانی امپراتوری آلمان در سیاست داخلی مخالف آزادیخواهان و کیشیان بود. بیسمارک در اوایل سلطنت ویلهلم دوم با امپراتور جدید آلمان اختلاف نظر پیدا کرد و در سال ۱۸۹۰ مجبور به استعفا شد. مرگ وی در سال ۱۹۰۵ اتفاق افتاد.

دیدن کرده بود، رفته ملاقاتی نمود و مراجعت کرد. شنبه ۱۵ سوار شده به درب وزارت خارجه رفته، یک کارت برای وزیر دول خارجه که اسمشان هاتس فیلد^۱ است، داد و ایشان همانه که جواب نوشته اول فدویرا به پرنس بیژمارک نوشته بودند و همانوقت کارت دیگر به اسم شخصی که دوّم ایشان است داده به منزل مراجعت نمود. در هنگام مراجعت پرنس بیژمارک سوار اسب بود از خیابانی می آمد. فدوی از توی کالسکه به او تعارفی کردم، ایشان هم جوابی دادند و از هم رد شدیم. روز ۱۴ این ماه پرنس بیژمارک کارت خود را به منزل فدوی فرستاد عوض بازدید حساب می شود. ۱۸ ماه وزیر امور خارجه هم کارت به منزل فرستاده بود ۲۲ یک قلمدان ایرانی اعلی با یک قاب سرچسبان و یک آب دوات زیر فولادی بجهت برای موسی لاند و نویسنده اول وزارت خارجه بر حسب وعده که روز ملاقات شده بود به توسط مرتضی فرستاده شد منزل نبود به گماشته او داده مراجعت نمود. روز ۲۳ که یک شنبه گذشته بود تلگرافی از بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه رسید. قدری باز بود تتمه رمز و پاره فرمایشات و تحقیقات شده بود همه را زیارت کرده اجمالاً عرض شد که جوابها را تا جمعه آینده معروض می دارد و خبری مسوده کرد که نوشته برای پرنس بیژمارک به فرستد و معلوم نماید که ملاقات با حضرت والا ولیعهد که مخصوص در اینجا باشد سفارش هم شده بود کی امتنان خواهد افتاد. در این خیال بود که از جانب دونورمان^۲ رئیس در آنجا به حضرت ولیعهد مراسله رسمی رسید و بنده را دعوت به خدمت حضرت ولیعهد نمود. این فدوی رقعہ را که خیال داشت نوشت و دیروز دوشنبه ۲۴ چهار ساعت بعدازظهر با غلام زاده مرتضی سوار کالسکه شده به آنجا رفته شرفیاب شده مراجعت نمودیم و چون دیروز فقط همان فرمایشات ایشان را جواب می داد موقع ابلاغ فرمایشات مخصوص نشد و معلوم است بعد از خواندن دستخط مبارک و ترجمه آن را به اینجا احضار خواهند نمود. برای شنیدن فرمایشات شفاهی و تفصیل آن جداگانه معروض خواهد گردید. زیاده قدرت جسارت ندارد.

1. Hartz Feld.

2. Donnermann.

